



عبدالنصر تورزاد

کارشناس مسائل افغانستان

در دوسالگی شکل گیری عملی مقاومت در افغانستان ضد تروریسم قومی و طالبانیسم، نقد و نظریه‌های زیادی در خصوص عملکرد دوساله این روند که تنها منبع امید برای رهایی افغانستان از شر تروریسم قومی و قبیله‌ای محسوب می‌شود، وجود دارد. مقاومت کنونی علی‌رغم اینکه یک جریان ضد تروریسم قومی و قبیله‌ای، محسوب می‌شود، نتوانسته است که ماهیت مجزا و متفاوت خود را در عملکرد سیاسی و نظامی‌اش، تثویز کند و جالب توجه باشد. حتی طی بیش از دو سال گذشته، مقاومت علی‌رغم حضور جنگی، نتوانسته است طرح بدیل و مناسب سیاسی را مطرح کند که سرخط عملکرد جنگی‌اش باشد. مقاومت کنونی با یک هزار چالش و فرصت مواجه است. تصمیم گیرندگان بیرونی و قدرتمند و کشورهای متخاصم در عرصه نظام بین‌الملل، به خصوص در شرایطی که دنیا به طرف قطبی شدن ماهیت نظامی و جنگی‌اش در حرکت است، می‌تواند از صلاحت‌ترین سیاست قدرت‌های بزرگ و منطقه‌تأثیر پذیر باشد. زیرا همان طوری که طالبان در نتیجه یک سازش بین‌المللی و به حمایت مستقیم آمریکا و غرب به قدرت برگشتند؛ مقاومت هم می‌تواند با توجه و تغییر ماهیتی سیاست نزد بازیگران قدرتمند، به یک قدرت بدیل تبدیل شود و یا دست کم در حد فعلی باقی بماند. برای رسیدن به چنین ایده‌آلی باید مشخصاتی برای شکل‌گیری یک روند موثر مطرح و چارچوبی برای آن ترسیم شود. این مشخصات را می‌توان چنین برشمرد: نخست: مقاومت باید ارزش محور باشد و برای ارزش‌های به خصوصی بجنگد. تا زمانی که ارزش‌های مشخص برای جنگ و سیاست در قاموس مقاومت، کادربندی مشخصی نشود و اهدافی در خصوص آن طراحی نشود، هرگونه عملکرد سیاسی و جنگی، غیر موثر و هدر خواهد بود. ارزش‌هایی که هم حدود و ثغور عملکرد مقاومت را تعیین کند و هم راهنمای عمل و مشوقی برای تقویت آن محسوب شود. دوم؛ مقاومت باید از حوزه گفتمانی به پشت‌پاها و به سیاست در چارچوب کنش و واکنش تغییر جهت دهد. اصل مهم باید تکیه بر کنش قبل از واکنش باشد تا ماهیت اصلی مقاومت به عنوان یک جریان اصطلاحی، ثابت شود. این مقاومت باید زمینه‌های خلق یک تفکر بدیل برای رهایی افغانستان از شر تروریسم قومی را، به وجود آورد. سوم؛ مقاومت باید سیستم محور باشد و تأثیر افراد به استثنای نظریات مفید، منتفی شود. مشورت افراد در تنظیم سیستم گنج‌ناهنده شود و تا این حد به نظر آری‌آری آنها اکتفا نشود. این مهم اگر عملی شود، ما را از شکست و ریخت احتمالی در مقاطع خاصی که جنگ و سیاست نمی‌توانند همدیگر را کمک کنند، مصون خواهد ساخت. چهارم؛ مقاومت باید جایگزین فکری در حوزه جغرافیایی خاصی طراحی و تعیین کند و در بستر آن به ایجاد پایگاه سازی فکری و عقیدتی بپردازد. تا زمانی که جغرافیای مقاومت مشخص نشود، مفهوم مقاومت عملاً دچار سردرگمی مفهومی و ماهیتی خواهد بود. پنجم؛ مقاومت باید از حالت رکود فکری و انحصاری ایدئولوژیک که بیشتر تحت تأثیر و غلبه فکری دوران ایدئولوژیک جنگ سرد است، بیرون کشیده شود. این روند باید با جمع زدن عناصر موثر که می‌توانند مقاومت را کمک کنند، پایه‌ها و بنیاد هایش را تقویت کند. ششم؛ نگاه مقاومت به مسائل مهم باید نگاه ترکیبی از سلفه‌های اقتصادی، سیاسی و جنگی باشد. هم در سطح داخلی و هم در سطح بیرونی، پیوند زدن اقتصاد و سیاست و به کار گرفتن جنگ در مسیر رسیدن به این اهداف باید مانند یک اصل راهبردی مطرح نظر باشد. هفتم؛ مقاومت باید از محصور ماندن در یک بازه زمانی (یا حال یا گذشته) گذار کند و به وضعیت و پیش‌بین آینده است. یعنی تمرکز بیشتر ما باید روی زمان آینده باشد. برای این آینده ایجاد شبکه‌ها و تأمین ارتباطات معنی‌دار، اصل اساسی خواهد بود. هشتم؛ مقاومت باید یک آدرس بزرگ و یک کانون فراجحای باشد. مقاومت باید گزینه‌های اصلی میدل‌شدن به یک بدیل سیاسی را جست و جو کند. به یک کانون بزرگ تفکر سیاسی و عقیدتی برای رهایی از شر تروریسم قومی میدل‌شدن. محصور ساختن مقاومت در حیطه یک جناح، در واقع ترسیم محدود و برای ادامه فعالیت‌های مقاومت گرانه خواهد بود. نهم؛ مقاومت باید به کانون تفکر سیاسی و تربیت کادرهای سیاسی میدل‌شدن. تکیه سیاستمداران برای آینده و اتکا به سیاست‌کادری، به علاوه جنگ و مبارزه، باید در سرخط کار مقاومت قرار بگیرد. این کانون باید سیاستمداران با تجربه را نوازش کرده و از آن‌ها برای تحقق اهداف تربیت سیاست‌کادری خود استفاده برده. باین کار هم در میدان سیاست برنده خواهد بود و هم می‌تواند با خلق اعتماد میان افشار مختلف سیاسی، اعتباری به دست آورد. دهم؛ همان طوری که گفتیم یکی از مولفه‌های ماهیتی مقاومت باید ارزش محوری باشد. دیدارزنی را اهمیت دادن و به آن ارزش قائل شدن، در حال حاضر می‌تواند در جهت تحریک و تهییج احساسات ضد اعمال تروریستی مردم، ممد واقع شو نگاه به ارزش‌ها، باید بخشی از کار باشد نه عموم آن. یازدهم؛ مقاومت باید در دو سطح تعیین تکلیف کند: در مقیاس فوری باید به جنگ، سیاست و یافتن راه‌های تأمین منابع اقتصادی برای تأمین مخارج، متمرکز باشد. در مقیاس استراتژیک باید حوزه مقاومت، خلق نظریه بدیل را در آینده باید این حوزه انحصاری خود سازد تا برای جغرافیای که متعلق به حوزه مقاومت است، تعیین تکلیف کند. ایجاد روابط شبکه‌ای و همخوانی با اهداف سیاست‌های امنیتی و اقتصاد کشور‌های قدرتمند منطقه، از وظایف اصلی مقاومت باید باشد.

محمود میرلوحی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اصلاحات، تمام‌قد از پزشکيان

حمایت خواهد کرد

همه رأی اصولگرایان به سبد قالیباف ریخته

خواهد شد

همه ظرفیت‌های اصلاح‌طلبی برای حمایت از

پزشکيان به صحنه خواهد آمد



آرمان ملی - احسان انصاری: امروز آقای پزشکيان به عنوان نماینده جریان اصلاحات در صحنه حضور دارند و به همین دلیل جریان اصلاحات به صورت تمام‌قد از آقای پزشکيان حمایت کرد. این در حالی است که پس از اعلام نتایج تأیید صلاحیت‌ها همه احزاب و جریان‌های اصلاح‌طلب ظرفیت‌هایی خود را به صحنه آورده‌اند تا در مسیری که آقای پزشکيان

نمی‌کنم که همه کاندیدای اصولگرایان به سود هم کناره‌گیری کنند و اختلافات آنها عمیق‌تر از آن است که چنین اتفاقی رخ بدهد. این در حالی است که جبهه‌پایداری نیز در شرایط کنونی در جریان اصولگرایی میداندراست و به احتمال زیاد این جبهه با توجه به اختلافاتی که با قالیباف دارند اجازه نمی‌دهند کاندیدای آنها به سود قالیباف از صحنه کناره‌گیری کنند.

برخی اصلاح‌طلبان از تکرار دوم خردادی دیگر برای اصلاح‌طلبان این بار توسط پزشکيان سخن می‌گویند. آیا شرایط تکرار چنین اتفاقی در کشور وجود دارد؟

بله خواهد و اتفاقاتی که پس از تأیید صلاحیت‌های ایشان رخ داده نشان می‌دهد باید نسبت به آینده و پیروزی آقای پزشکيان در انتخابات امیدوار بود. نکته مهمی که در شرایط کنونی وجود دارد این است که سه انتخابات اخیر در کشور با شکست بالای مردم همراه نبوده و به همین دلیل شرایط نسبت به گذشته تغییر کرده است. کار به جایی رسید که میزان مشارکت در انتخابات اخیر مجلس بسیار پایین بود. به همین دلیل آب شدن بیخ انتخابات نیازمند حرارت بیشتری از سوی حامیان آقای پزشکيان است که بتوانند این بیخ را دوباره کنند. اگر همه کاندیدای اصولگرایان در صحنه باقی بمانند آقای پزشکيان باید تلاش کند آرای خود را به نزدیک به ۴۰ میلیون رأی برساند تا بتواند در انتخابات به پیروزی برسد. مردم باید احساس کنند تغییری در راه است و این نکته باید به مردم القا شود که صورتی که آقای پزشکيان به ریاست جمهوری برسند در کشور تغییرات مثبتی رخ خواهد داد. در چنین شرایطی است که مانند آنچه در سال ۹۶ و ۹۲ رخ داد این احتمال وجود دارد که در این انتخابات نیز شرایط تغییر کند و آقای پزشکيان با حمایت اصلاح‌طلبان به ریاست جمهوری دست پیدا کند. شرایط بین‌المللی نیز پیچیده شده است و به همین دلیل کشور نیازمند تغییر در رویکرد سیاست خارجی است. اگر مردم احساس کنند که پزشکيان می‌تواند این شرایط را تغییر بدهد قطعاً از ایشان حمایت خواهند کرد. البته گرفتن آرای محیشی امروز مردم ایران به مراتب عمیق‌تر از آن است که با حضور یک کاندیدای اصلاح‌طلب در انتخابات بتوانان نارضایتی‌ها را از بین برد. باین وجود من امیدوارم پزشکيان بتواند با ایجاد یک موج در نهایت در انتخابات به پیروزی دست پیدا کند.

اصلاح‌طلبان چه استراتژی و برنامه‌ای برای پیروزی گزینه خود در انتخابات خواهند داشت؟ آیا در این زمینه برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته است؟

پس از اعلام کاندیداتوری آقای پزشکيان رئیس و هیأت‌رئیس جبهه اصلاحات با دکتر پزشکيان جلساتی را برگزار کرده‌اند. به همین دلیل نیز به نظر می‌رسد که جریان اصلاحات با ظرفیت کامل خود به صحنه خواهد آمد و از پزشکيان حمایت خواهد کرد. ما باید این فرصت را مغتنم به‌شماریم. متأسفانه در سه انتخابات اخیر شرایط به شکلی رقم خورد که اصلاح‌طلبان نتوانستند با ظرفیت‌های واقعی خود را در انتخابات حضور پیدا کنند که مهم‌ترین دلیل آن نیز رد صلاحیت‌های صورت گرفته بود. به همین دلیل در شرایطی که یکی از گزینه‌های اصلاح‌طلبان تأیید صلاحیت شده باید از این فرصت استفاده کرد و با حمایت همه‌جانبه زمینه‌های تغییر را در مدیریت کشور به وجود آورد.

هشتاد میلیون دلاری دولت و مقامات آمریکا در حق خواهان‌ها رای داد. در واقع تروریستی ۳۱ شهرویر سال ۹۷ در اهواز، ۲۵ نفر شهید و بیش از ۷۰ نفر مجروح شدند. این اقدام توسط گروهک‌های تروریستی داعش و حرکت‌النضال العربیه‌لتحریر الاهواز سامان‌دهی و اجرا شد و به صورت رسمی نیز مورد قبول اعضای گروهک تروریستی حرکت‌النضال العربیه‌لتحریر الاهواز قرار گرفت. پیش از این انتساب اعمال تروریستی داعش به آمریکا در دادخواست‌های مجلس، ناصریه، حله و سام‌بر اساس اسناد منتشر شده از طرف آمریکایی‌ها و همچنین سایر مستندات و دلایل میدانی اثبات گردیده بود و در این پرونده نیز به همان رویه استناد گردید. در دادخواست ارائه شده به دادگاه ۶۴ نفر از آسیب‌دیدگان به عنوان خواهان پرونده و ۳۱ نفر از دولت و مقامات آمریکایی (اشخاص حقیقی و حقوقی) به عنوان خواننده حضور داشتند.

شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل تهران پس از رسیدگی علنی به پرونده شکایت مطرح شده در خصوص واقعه تروریستی ۳۱ شهریور ۹۷ اهواز، دولت و مقامات آمریکا را به پرداخت ۲ میلیارد و ۸۸۰ میلیون دلار خسارت به شکات این پرونده محکوم کرد. به گزارش فارس به نقل از مرکز رسانه قوه قضائیه: در پی اقدامات دولت آمریکا در تأسیس، تقویت و ترویج گروه‌های تروریستی از جمله گروه تروریستی داعش و حرکت‌النضال العربیه که مجری حمله تروریستی ۳۱ شهریور اهواز در سال ۱۳۹۷ بودند، ۶۴ نفر از خانواده شهدا و مجروحین این واقعه تروریستی به استناد قانون اقدام متقابل علیه دولت و مقامات آمریکا مبادرت به طرح دعوی حقوقی در قوه قضائیه کردند. در پی این شکایت، پرونده به شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل تهران ارجاع و پس از رسیدگی علنی به این شکایت، دادگاه به محکومیت دو میلیارد و هشتصد و



حکومت
۲/۹ میلیارد دلاری
آمریکا

سقوط آزاد فرانسه و آلمان
آیا انقلاب جدیدی در راه
است؟



بعید است که «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، مقام نخست‌وزیری را به حزب «اجتماع ملی» پیشکش کند زیرا غرورش چنین اجازه‌ای به او نمی‌دهد. داستان این روزهای فرانسه به مثابه یک کشتی در حال غرق است که به تدریج ارتباطش را از دست می‌دهد و همه اینها از «خودشیفتگی کورکورانه رئیس‌جمهوری» نشأت می‌گیرد که همچنان تصور می‌کند قادر به پیروزی است. به گزارش ایسنا، رئیس‌جمهور فرانسه یکشنبه شب درست یک ساعت پس از آنکه شعبات اخذ رای بسته شدند و پیروزی «مارین لوپن» از حزب راست افراطی «اجتماع ملی» فرانسه در انتخابات اروپا تأیید شد، طی سخنانی خواستار انحلال پارلمان این کشور و برگزاری انتخابات زود هنگام شد. روزنامه تلگراف در گزارشی می‌نویسد: همزمان با پایان آخرین روز رای‌گیری انتخابات پارلمان اروپا و انتشار برآوردها، مشخص شد که حزب «اجتماع ملی» دو برابر حزب حاکم موسوم به «رئسانس» - متعلق به امانوئل ماکرون - رای کسب کرده است. اگر چه به نظر می‌رسد حزب راست‌گرای لوپن در آستانه کسب یک پیروزی تاریخی برای محافظه‌کاران و راست‌گرایان در فرانسه است اما جمع‌آرای احزاب میانه‌رو و چپ که از امانوئل ماکرون حمایت می‌کنند بسیار بیشتر از حزب لوپن است و احتمالاً به همین دلیل رئیس‌جمهور فرانسه «با اطمینان خاطر» و در واکنشی سریع از انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زود هنگام خبر داد.

جردن باردلادر کنار خانم لوپن

روزنامه تلگراف با اشاره به انتخابات زود هنگام فرانسه که قرار است در ۲ مرحله طی روزهای ۳۰ ژوئن (۱۰ تیر) و ۷ ژوئیه (۱۷ تیر) برگزار شود، می‌نویسد: بازی در نهایت شاید بدین گونه تمام شود که «جردن باردل» رئیس حزب اجتماع ملی فرانسه به مقام نخست‌وزیری این کشور منصوب شود اما این مقام برای جوان ۲۸ ساله‌ای که تجربه‌ای ندارد، بیش از حد بزرگ است. این روزنامه باین اقدام شانس پیروزی دیگری را به خود انگلیسی‌استدلال می‌کند که امانوئل ماکرون با این اقدام شانس پیروزی بیشتری را به خود و نخست‌وزیرش بخشیده است؛ اقدامی که «یوچ» به نظر می‌رسد و در حال حاضر در فرانسه هیچکسی به اندازه مارین لوپن از جریانات پیش‌آمده خوشحال نیست. البته مقامات دولتی فرانسه می‌گویند که اگر حزب مارین لوپن قدرت را به دست بیاورد، می‌تواند «اتوانای حزبی» را پیش از انتخابات ریاست جمهوری به رای دهندگان نشان دهد.

آلمان

همزمان با اعلام نتایج انتخابات اروپا، شوک به سیستم آلمان نیز انتقال یافت. طبق آنچه گزارش شده است، هر سه حزب ائتلاف حاکم با کاهش شدید مواجه شده‌اند و بدین ترتیب احزاب مخالف به دستاوردهایی رسیده‌اند. درحالی‌که حزب راست‌گرایه نتایج بی‌سابقه‌ای دست پیدا می‌کند و هم چنین با انتخابات منطقه‌ای در فصل پاییز و انتخابات فدرال در سال آینده میلادی، آلمان احتمالاً به سمت «بزرگ‌ترین آفتنگی سیاسی» در تاریخ دموکراسی پس از جنگ پیش می‌رود. تلگراف در این خصوص می‌نویسد: «شانس احزاب حاکم آلمان روی برگردانده است و نتایج معکوس می‌شوند. حزب سبز تقریباً به ۹ درصد و حزب سوسیال دموکرات اوالف شولتس (صدراعظم آلمان) به ۱۴ درصد - پایین‌ترین حد خود - سقوط کرده است. همچنین شرکای ائتلافی او موسوم به «لیبرال‌های آزاد» به ۵ درصد رسیده است. برندگان این انتخابات احزاب راست‌میانه دموکرات مسیحی بوده‌اند که حدود ۳ درصد آرا را به دست آورده‌اند.

اوالف شولتس

رهب سبزه‌ها می‌گوید که از عملکرد حزب خود «راضی نیست» و دبیرکل حزب سوسیال دموکرات نتیجه انتخابات را «بسیار تلخ» خواند. علاوه بر این واکنش‌ها، روزنامه آلمانی «بیلد» نتایج انتخابات را همچون «سیلی بر صورت صدراعظم شولتس» توصیف کرد. تلگراف در پایان این گزارش تأکید می‌نویسد: «فقط آلمان و فرانسه نیستند که با مشکل نارضایتی عمیق نسبت به نتایج انتخابات مواجه شده‌اند، بلکه در بریتانیا نیز شاید محافظه‌کاران با خطر نابودی و کناره‌گیری مواجه شوند. بدین ترتیب، شوک عمیقی به سیستم‌های سیاسی سراسر غرب وارد شده است.